
قرارداد مدنی زندگی مشترک در فرانسه

دکتر فرهاد خمایی زاده

مقدمه

خانواده پایه و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و لذا از زمانهای بسیار قدیم جوامع مختلف سعی در تحکیم خانواده و روابط خانوادگی داشته‌اند. روش معمول ایجاد خانواده نیز ازدواج بین یک زن و یک مرد بوده که زندگی مشترک داشته و با تربیت فرزند یا فرزندان شایسته زمینه مساعد برای رشد و اعتلای جامعه را فراهم می‌نموده‌اند. اصولاً اینکه زن و مردی خارج از رابطه ازدواج باهم زندگی کنند و تشکیل خانواده دهند تا زمانی نه چندان دور اگر نه امری غیرممکن ولی غیرمتعارف و غیراخلاقی تلقی می‌شده است و غیرمعمولی‌تر از آن زندگی مشترک دو زن یا دو مرد بوده که در قرن بیستم خصوصاً در کشورهای اروپایی بنحو روز افزونی گسترش یافته و حتی در بعضی ممالک رسماً آثار حقوقی برای چنین روابطی قائل شده‌اند.

بدیهی است بی‌توجهی به ارزشهای اخلاقی و بی‌بند و باری جنسی زمینه مساعد را برای گسترش پدیده زندگی مشترک بدون ازدواج فراهم نموده و نتیجتاً تضعیف نهاد خانواده را موجب شده است.

فرانسه یکی از کشورهایی است که زندگی مشترک بدون ازدواج بین دو همجنس و یا دو غیرهمجنس در آن بسیار رواج یافته و اخیراً قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹^۱ این نوع روابط را به رسمیت شناخته است البته توجه خاص قانون مذکور به زندگی‌های مشترکی است که به موجب یک قرارداد ایجاد می‌شود؛ قراردادی که اگر طبق تشریفات مقرر به ثبت برسد قانوناً آثاری بر آن مترتب خواهد بود چنین قراردادی که قرارداد مدنی زندگی مشترک نامیده می‌شود^۲ موضوع اصلی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. لذا پس از مطالعه سابقه امر در کشور فرانسه رئوس کلی قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ در رابطه با قرارداد مذکور را مورد بررسی قرار خواهیم داد. نهایتاً با توجه به اهمیت موضوع و اینکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز پدیده زندگی مشترک غیر ازدواجی رواج داشته و بوسیله قانون یا رویه قضایی مورد حمایت واقع شده مطالعه تطبیقی مختصری خواهیم داشت.

۱- سابقه

در فرانسه همواره خانواده بطور سنتی سلول اصلی اجتماع تلقی شده است، خانواده‌ای که با انجام ازدواج بین یک زن و یک مرد تشکیل می‌شود. معذک مدت‌هاست جامعه فرانسه مواجه با پدیده زندگی مشترک بدون ازدواج است که آن را کونکویناژ Concubinage می‌نامند یعنی دو شخص (کونکوین Concubin) بدون ازدواج با هم زندگی می‌نمایند. این

1. Loi n° 99 – 944 du 15 nov. 1999, Jo 16 nov. 1999 p. 16959.

2. PACTE CIVIL DE SOLIDARITÉ.

نوع روابط با توجه با طرز تفکر سنتی و اخلاقی حاکم بر جامعه فرانسه مدت‌ها مردود بود و حتی ناپلئون در جریان تنظیم قانون مدنی فرانسه (۱۸۰۴) کونکوبین‌ها را متخلفین از قانون دانسته و روابط ایشان را فاقد هرگونه آثار حقوقی اعلام نمود. مع‌ذلک مخصوصاً در قرن بیستم این نوع زندگی مشترک بین دو همجنس یا بین دو غیرهمجنس^۳ گسترش زیادی یافته و امروزه به‌عنوان یک پدیده معمول در جامعه فرانسه مطرح است.^۴ با توجه به آثار نامطلوب ناشی از عدم شناسایی چنین روابطی به سرور و به طور استثنایی و محدود، قانون و رویه قضایی فرانسه حقوقی را در رابطه با کونکوبین‌ها مقرر نموده‌اند. عناصری که برای احراز کونکوبیناژ در نظر گرفته می‌شد عمدتاً عبارت بودند از همزیستی در یک جا، استمرار و استحکام روابط، اشتراک منافع و ...^۵ مثلاً به موجب ماده ۱۴ قانون ۶ ژوئیه ۱۹۸۹ مقرر شد در صورت ترک مسکن مشترک یا فوت یکی از

۳. از آغاز ۱۹۴۲ قوانین جزایی فرانسه برای هموسکسوال‌ها مجازات مقرر نمودند ولی قانون ۶۸۳-۸۲ مورخ ۴ اوت ۱۹۸۲ آخرین بازمانده قوانین جزایی در این مورد را نسخ نمود.

۴. در واقع ۱/۶ جفت‌ها بطور آزاد زندگی می‌کنند و ۴۰ درصد اطفال متعلق به آنهاست. طبق آمار منتشره در ژانویه ۱۹۹۹ تعداد جفت‌های غیر ازدواجی در ۱۹۹۸ بالغ بر ۲/۴ میلیون بوده و تعداد زوجهای ازدواجی حدود ۱۲/۳ میلیون - جفت‌های غیرازدواجی اکثراً جوان هستند. بیش از ۹۰ درصد ازدواجها متعاقب یک زندگی مشترک غیرازدواجی انجام شده‌اند. مع‌ذلک استحکام زندگی‌های مشترک غیرازدواجی کمتر بوده و ۵۰ درصد آنها در پایان ده سال منحل شده‌اند در حالی که ۳۰ درصد ازدواجها در پایان ۱۰ سال به جدایی منجر شده‌اند. بیش از یک میلیون جفت غیرازدواجی با یک یا چند فرزند زندگی می‌کنند. ۳ فرزند از ۴ فرزند خارج از ازدواج در ۱۹۹۶ بوسیله پدرشان شناسایی شده‌اند.

۵. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز عناصری را برای احراز کونکوبیناژ ذکر نموده: مدت رابطه، همزیستی، وجود فرزند. با بررسی عناصر مذکور محرز می‌شود که آیا زندگی خانوادگی به مفهوم ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود دارد یا نه.

Arrêt du 22 avril 1997 (75/1995/581/667); S. Evain, Le juge européen, Le transsexualisme et les droits de l'homme, La semaine juridique, 1997, 1, n^o, 4071; Dalloz, 1997, II. p. 583 et s. Les petites Affiches, 25 mai 1998, p. 17 et s. note J Massip.

کونکوبین‌ها که قرارداد اجاره مسکن مشترک را منعقد نموده، طرف مقابل از حقوق مربوط به قرارداد اجاره بهره‌مند خواهد شد.^۶

محاکم نیز بنوبه خود و به تدریج آثاری را برای کونکوبیناژ شناخته‌اند مثلاً از سال ۱۹۷۰ رویه قضایی فرانسه پرداخت غرامت به یک کونکوبین در صورت فوت ناگهانی طرف مقابل را پذیرفته است.

معذک تا زمانی نه چندان دور همین آثار محدود نیز تنها مختص به کونکوبین‌های غیرهمجنس بود و کونکوبین‌های همجنس از هیچ حقوقی برخوردار نبودند. از جمله دیوان عالی کشور فرانسه طی ۲ رأی صادره در ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۹ در مورد حقوق تأمین اجتماعی صریحاً اعلام نمود اشخاص همجنس که زندگی مشترک دارند حق استفاده از امتیازات و حقوق شناخته‌شده برای کونکوبین‌ها را ندارند. تصمیم مشابهی در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷ در خصوص انتقال حقوق اجاره اتخاذ شد. بی‌شک این امر ناشی از طرز فکری است که کونکوبیناژ را نوعی ازدواج تلقی نموده و یکی از شرایط اساسی ازدواج را غیرهمجنس بودن زوجین می‌داند. چنین موضع‌گیری با اعتراض شدید جامعه هموسکسوتل‌ها مواجه شد و جنبشی از ۱۹۹۱ برای ایجاد سیستمی یکنواخت برای تمام زندگی‌های مشترک بدون ازدواج صرفنظر از جنسیت طرفین پدید آمد و نهایتاً قانون و رویه قضایی فرانسه بطور پراکنده مجبور به شناسایی برخی حقوق در رابطه با

۶. رک. همچنین به ماده ۳-۸۳ قانون عمومی مالیاتها و نظریه شورای دولتی فرانسه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۳ که به موجب آن کونکوبین‌ها می‌توانند از تخفیف در قیمت بلیط مسافرتی که برای زوجین مقرر شده، برخوردار شوند. ماده ۸۲۸ قانون جدید آئین دادرسی مدنی، ماده ۱۲ فرمان ۷۵۵-۹۲ ژوئیه ۱۹۹۲، ماده II-۱۹۴ قانون عمومی مالیاتها و ماده اول فرمان شماره ۱۱۱۱-۸۸ مورخ ۱۲ دسامبر در امور اجتماعی.

زندگی‌های مشترک همجنس‌ها شدند. مثلاً به موجب قانون شماره ۱۲۱ - ۹۳ مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۹۳ به کونکوبین همجنس اجازه داده شد به‌عنوان ذی‌نفع از بیمه بیماری طرف مقابل به‌عنوان شخص تحت شارژ او استفاده نماید.^۷

دادگاه شهرستان بلفورت در ۱۹۹۵ برای اولین بار حق دریافت غرامت یک کونکوبین متعاقب فوت ناگهانی طرف همجنسش را به رسمیت شناخت.

از (۱۹۹۰) طرح‌های قانونی بسیاری در رابطه با شناسایی کونکوبیناژهای بین دو همجنس ارائه شد.^۸ ازدیاد آمار اشخاص مبتلا به ایدز از مهمترین عوامل طرح گسترده بحث بین دولتمردان، نمایندگان مجلسین و مردم بود و نهایتاً پس از مباحثات طولانی قانون مربوط به قرارداد مدنی زندگی مشترک به تصویب مجلس رسید و متعاقباً مطابقت آن با قانون اساسی فرانسه در ۹ نوامبر ۱۹۹۹ بوسیله شورای قانون اساسی اعلام شد.^۹ این قانون در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ بوسیله رئیس جمهور امضا و در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۹ منتشر شد.^{۱۰}

۷. البته در این مورد وجود سابقه یکساله زندگی مشترک لازم است که در مورد کونکوبین‌های غیرهمجنس این شرط وجود ندارد.

۸. اولین طرح قانونی در این رابطه تحت عنوان قرارداد مشارکت مدنی بوسیله Jean - Loc Mélanchen ارائه شد. Proposition de loi n° 442 du 25 janv. 1990.

۹. در واقع ارجاع امر به شورای قانون اساسی به درخواست بیش از ۶۰ نماینده و بیش از ۶۰ سناتور صورت گرفته که مدعی بودند این قانون به جهاتی مغایر قانون اساسی است. از جمله: عدم رعایت مقررات قانونگذاری، نقض اصل مساوات، لطمه به نهاد ازدواج، لطمه به حقوق کونکوبین‌ها و ...

۱۰. در ۱۰ نوامبر ۱۹۹۹ وزارت دادگستری یخشانامه‌ای در مورد نحوه اجرای این قانون صادر نمود. NOR/JUS/C9920 683, Circulaire 99/12

بخش عمده قانون مذکور در رابطه با اشخاصی است (همجنس یا غیرهمجنس) که مایلند از طریق انعقاد یک قرارداد مدنی و ثبت آن زندگی مشترک داشته باشند. بخش کوچکی از آن نیز در ارتباط با کونکوبیناژ و اشخاصی است (همجنس یا غیرهمجنس) که مایلند مانند قبل از این تاریخ فارغ از هرگونه قرارداد و تشریفات با هم زندگی نمایند. به عبارت دیگر من بعد افراد غیرهمجنس می‌توانند ۳ نوع زندگی مشترک برقرار نمایند؛ ازدواج، کونکوبیناژ و قرارداد مدنی زندگی مشترک در حالی که افراد همجنس تنها قادر به برقراری دو نوع رابطه اخیر می‌باشند و حق ازدواج ندارند. قانون جدید در ارتباط با کونکوبیناژ صرفاً به ارائه تعریفی از آن اکتفا نموده است. به موجب ماده ۸-۵۱۵ کونکوبیناژ عبارت است از یک وحدت واقعی که از طریق ایجاد یک زندگی مشترک مستمر و با ثبات بین دو شخص همجنس یا غیرهمجنس برقرار می‌شود. بدین ترتیب عناصر کونکوبیناژ را قانون مشخص نموده معذک معلوم نشده که بر چنین رابطه‌ای چه آثاری مترتب است و طرفین آن چه حقوق و تکالیفی دارند. بنابراین باید همان آثاری را که از قبل بطور محدود بموجب قوانین پراکنده یا رویه قضایی برای چنین روابطی اعلام شده، مد نظر واقع شود. البته در نوآوری این قانون از جهت یکسان تلقی نمودن زندگیهای مشترک صرفنظر از جنسیت طرفین، تردید نیست و منبهد نمی‌توان از این حیث تبعیض قائل شد.^{۱۱} به هر حال بحث مقاله حاضر بطور خاص مربوط است به

۱۱. در این مورد رک. مثلاً به رأی مورخ ۶ ژانویه ۲۰۰۰ دادگاه شهرستان پوسر، موضوع مطروحه مربوط می‌شد به دو شخص همجنس که یکی از آنها دارای ۲ فرزند بود و مدت ۱۰ سال با هم زندگی مشترک داشتند. پس از جدایی این دو شخص، یکی از طرفین از طریق دادگاه درخواست نمود به وی اجازه ملاقات با فرزندان طرف مقابل داده شود و دادگاه با این تقاضا موافقت نمود با این استدلال که متقاضی در طی زندگی مشترک بنحو گسترده ای در زندگی و آموزش و پرورش فرزندان طرف مقابل

قرارداد مدنی زندگی مشترک که قانون نوامبر ۱۹۹۹ آن را تعریف و آثارش را برشمرده است.

۲- قرارداد مدنی زندگی مشترک^{۱۲}

هنگامی که دو شخص تمایل به زندگی مشترک بدون ازدواج دارند می‌توانند توافقات خود را در زمینه حقوق و تکالیف متقابل در قراردادی

طی زندگی مشترک بنحو گسترده‌ای در زندگی و آموزش و پرورش فرزندان طرف مقابل شرکت داشته و حتی می‌توان گفت نقش یک مادر دوم را برای ایشان داشته‌است. لذا می‌بایستی حق ملاقات داشته‌باشد. TGI Bressure, 6 Janvier 2000 (RG 99/00502: in édit) Un droit de visite accordé à une "Seconde mère homosexuelle" Le Monde des 30 - 31 Janvier 2000, p. 7.

در واقع در این پرونده قاضی از اختیاری که حسب ماده ۴-۳۷۱ قانون مدنی به وی داده شده استفاده نموده‌است. به موجب ماده مذکور قاضی حق دارد در موارد استثنایی حق مکاتبه یا ملاقات با اطفال را به اشخاص غیر از پدر و مادر را هم بدهد. نمونه مهم دیگر صدور کارت اقامت فرانسه برای اشخاصی است که با یک فرانسوی زندگی مشترک عملی دارند، هرچند این امر قبل از قانون ۱۹۹۹ پذیرفته شده بود ولی نسبت به کونکوبین‌های همجنس اعمال نمی‌شد. در واقع به موجب ماده ۱۲ مکرر (۷) فرمان ۲ اکتبر ۱۹۴۵ کارت اقامت به خارجی داده می‌شود اگر روابط شخصی و فامیلی وی در فرانسه آنچنان قوی است که عدم اجازه اقامت موجب لطمه به زندگی خصوصی و خانوادگی او می‌شود و تا قبل از قانون ۱۹۹۹ بسا توجه به تلقی مشابه از ازدواج و کونکوبیناژ زندگی خانوادگی را زندگی دو غیرهمجنس می‌دانست اما منبعد نباید فرقی بین کونکوبیناژهای دو همجنس یا غیر دو همجنس قائل شد.

۱۲. برای مطالعه بیشتر در مورد خصوصیات قرارداد مدنی زندگی مشترک رک. مثلاً:

A. Aoun, Le PACS, Paris, Delmas express, 2000; D. Barthe, Un PACS Contre l'union Libre, Justic, nov. 1998, p. 22 et s; R. Cabrillac, Libre propos sur le PACS, Dalloz, 1999, I, P. 71 et s; J. Rubellin - Devichi, La semaine juridique, 27 oct. 1999; p. 1909, L. Magnin, Le PACS, l'immeuble et le notaire, les petites Affiches. 13 déc. 1999, p. 4 et s.

برای مطالعات مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی رک. مثلاً:

M. Revillard, "Le Pacte civil de solidarité en droit international privé" Defrénois, 2000. 337; M. Josselin Gall, "Pacte civil de solidarité (PACS) quelques éléments de droit international privé" J.C.P. Not et Imm, 2000 489; H. Fulchirun, "le PACS et le droit des étrangers", Dr. de la famille, déc 1999, n^o hors série, p. 44.

درج و آن را به ثبت برسانند قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ شرایط انعقاد چنین قراردادی را تعیین و آثاری برای آن قائل شده است.

الف - شرایط قرارداد

برای ایجاد و اعتبار قرارداد مدنی زندگی مشترک تحقق شرایطی از جهت ماهوی و شکلی لازم است.

(۱) شرایط ماهوی

- اهلیت طرفین و رضای آنها

به موجب ماده ۱-۵۱۵ قرارداد مدنی زندگی مشترک قراردادی است بین دو شخص حقیقی بالغ همجنس یا غیرهمجنس برای زندگی مشترک. بنابراین اشخاصی که به سن قانونی نرسیده اند اهلیت انعقاد چنین قراردادی را ندارند همچنین کسانی که به سن قانونی رسیده اند و لسی محجورند نمی توانند در این رابطه به تنهایی اقدام نمایند (ماده ۱-۵۰۶ قانون مدنی). به علاوه لازم است طرفین با رضایت مبادرت به انعقاد قرارداد نمایند بدیهی است در صورت فقدان رضا یا رضای معیوب (اکراه - اشتباه - تدلیس) هریک از طرفین تا ۵ سال از زمان انعقاد قرارداد می تواند بطلان آن را در دادگاه صلاحیتدار درخواست نماید.

- ممنوعیت قرابتی

قانون انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک بین اشخاصی که درجه ای از قرابت با هم دارند را ممنوع نموده است چنین ممنوعیتی چه بلحاظ اخلاقی

و چه بلحاظ جلوگیری از اختلاط نسل لازم بنظر رسیده است. به موجب ماده ۲-۵۱۵ انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک بین اشخاص ذیل بلحاظ قرابت ممنوع است:

الف. بین پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها و فرزندان در خط مستقیم، بین اشخاصی که باهم قرابت در خط مستقیم دارند.

ب. بین خویشاوندان غیر صلبی تا درجه سوم مثلاً بین عمو یا عمه و برادرزاده یا خواهرزاده. قرارداد مدنی زندگی مشترک منعقد شده بین اشخاص فوق‌الذکر از نظر قانون باطل است.^{۱۳}

- منع پلی‌گامی

بند ۲ ماده ۲-۵۱۵ به کسانی که قبلاً ازدواج نموده‌اند اجازه انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک نمی‌دهد و این ممنوعیت در راستای حمایت از اصل مونوگامی است بند ۳ همین ماده حتی طرفین یک قرارداد مدنی زندگی مشترک را از انعقاد قرارداد جدیدی در همین رابطه منع می‌نماید. بدین ترتیب قانونگذار قصد دارد از زندگی مشترک ناشی از ازدواج یا قرارداد مدنی که صحیحاً منعقد شده حمایت نماید و عضویت همزمان یک شخص در دو زندگی مشترک را خلاف مصالح اجتماع تشخیص می‌دهد.^{۱۴}

^{۱۳} در خصوص ازدواج قانونگذار پس از ذکر موانع قرابتی نکاح مقرر نموده در صورت وجود دلایل موجه و قوی ممنوعیت مرتفع می‌شود (ماده ۱۶۴ قانون مدنی فرانسه) در حالی که در قرارداد مدنی زندگی مشترک هیچ استثنایی قائل نشده‌اند.

^{۱۴} در مورد قرارداد مدنی زندگی مشترک شرط مختلف‌الجنس بودن وجود ندارد در حالی که در مورد ازدواج قریب به اتفاق حقوقدانان چنین شرطی را لازم می‌دانند. رک.

(۲) شرایط شکلی

برای رسمیت یافتن یک قرارداد مدنی زندگی مشترک طرفین باید اعلامیه مشترک خود در این رابطه را به دفتر دادگاه بخش محل سکونت مشترکشان تسلیم کنند.^{۱۵} برای ثبت قرارداد لازم است ۲ نسخه اصل آن به همراه شناسنامه‌های طرفین، گواهی دفتر دادگاه بخش محل تولد ایشان^{۱۶} حاکی از اینکه قبلاً چنین قراردادی منعقد نشده‌اند ارائه شود. مدیر دفتر دادگاه در صورت احراز وجود شرایط قانونی و ارائه اسناد لازم، مراتب انعقاد قرارداد را در دفتر مخصوصی با ذکر تاریخ ثبت می‌نماید که این تاریخ در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است. ۲ نسخه اصل قرارداد پس از تایپ و تاریخ‌گذاری به همراه گواهی مبنی بر متعهد شدن طرفین نسبت به قرارداد^{۱۷} به ایشان تسلیم می‌شود. بعلاوه مراتب در دفتر مربوط به قراردادهای مدنی زندگی مشترک حوزه محل تولد، هریک از طرفین ثبت می‌شود.^{۱۸}

Droit de la famille, sous la direction de J. Rubellin - Derichi, Paris, Dalloz, 1999 - n^o 28, p. 12 et n^o 170 et s, La notion juridique de couple sous la direction de C. Brunetti - pons, Paris, Economica, 1998; P. Malaurie, CE 9 oct. 1996 Dalloz, 1997, II p. 117 et s.

در مورد عقیده مخالف رک.

Egalités et différence, réflexions sur l'universalité de la règle de droit; D. Lochak, Homosexualités et droit, Paris PUF, 1998, p. 39. et s.

۱۵. فرانسویانی که در خارج از فرانسه هستند باید اعلامیه مورد بحث را به مقامات کنسولی و دیپلماتیک فرانسه در کشورهای خارجی تسلیم نمایند تا مراتب در دفاتر مربوطه ثبت شود.

۱۶. در صورت تولد در خارج از فرانسه، گواهی دادگاه شهرستان پاریس ارائه می‌شود.

۱۷. ماده ۴ فرمان ۱۰۸۹ - ۹۹ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۹ روزنامه رسمی ۲۴ دسامبر ۱۹۹۹ ص ۱۹۲۱۶

۱۸. اگر متولد خارج از فرانسه باشد مراتب در دفتر مربوط در دادگاه شهرستان پاریس ثبت می‌شود.

در صورتی که بنظر دفتر دادگاهی که تقاضای ثبت به آن ارائه می‌شود شرایط لازم موجود نباشد مراتب عدم قابلیت پذیرش درخواست بطور موجه اعلام می‌شود.^{۱۹} در قانون یا فرمانهای اجرایی تجدید نظر خواهی از این تصمیم پیش بینی نشده است.

قرارداد اولیه همواره قابل تغییر است به شرطی که طرفین اعلامیه مشترک خود در این مورد را به همراه ۲ نسخه قرارداد اصلاحی به همان دفتر دادگاههایی که قرارداد اولیه را ثبت نموده تسلیم کنند. قرارداد اصلاحی را نیز مدیر دفتر پس از امضا، و تاریخ‌گذاری، به طرفین مسترد می‌دارد.^{۲۰}

مراتب اعلام و ثبت شده در دفتر دادگاه اسرار خصوصی طرفین و محرمانه تلقی می‌شود.

لازم به ذکر است که قرارداد طرفین نباید با نظم عمومی مغایرت داشته باشد، مسؤول مربوطه در این رابطه کنترل لازم را معمول خواهد داشت.

ب. آثار قرارداد

اصولاً طرفین قرارداد مدنی زندگی مشترک در تعیین حقوق و تکالیف خود آزادند مع‌ذک قانون نیز بنوبه خود آثاری را برای چنین قراردادی پیش‌بینی نموده که در صورت سکوت طرفین جاری خواهد بود. البته برخی از مواردی را که قانون اعلام می‌کند آمره هستند و طرفین

۱۹. ماده ۱ فرمان ۱۰۸۹-۹۹ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۹، روزنامه رسمی ۲۴ دسامبر ۱۹۹۹ ص ۱۹۲۱۶.
۲۰. فرمان ۱۰۸۹-۹۹ بطور کامل تشریفات لازم در این رابطه را اعلام نموده است.

نمی‌توانند خلاف آن تراضی نمایند مثلاً می‌توانند در مورد رژیم اموال هرطور بخواهند عمل کنند ولی نمی‌توانند برخلاف مقررات مربوط به تعلق مالیات مشترک بعد از انعقاد قرارداد، توافق نمایند. به هر حال مهمترین آثار قرارداد مدنی زندگی مشترک که به موجب قانون جدید در رابطه بین طرفین و در رابطه با اشخاص ثالث برقرار شده به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) آثار قرارداد در رابطه با طرفین

متعاقب انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک آثار و به عبارتی حقوق و تکالیفی ایجاد می‌شود که ذیلاً به ذکر مهمترین آنها می‌پردازیم.

۱- همیاری مادی - به موجب ماده ۴-۵۱۵ قانون نوامبر ۲۰۰۰ طرفین یک قرارداد مدنی زندگی مشترک باید متقابلاً و بطور عادی به هم یاری دهند. چگونگی این همیاری در قرارداد مشخص خواهد شد. شورای قانون اساسی اعلام نموده که این همیاری جنبه آمره دارد و هر شرطی خلاف آن در قرارداد باطل است زیرا در واقع زندگی مشترک بدون همیاری و کمک متقابل طرفین بی‌معنی است و دوام چندانی نخواهد داشت.

۲- وضعیت اموال - به موجب ماده ۵-۵۱۵ قانون نوامبر ۱۹۹۹ مالکیت وسایل خانگی و اموال منقول مورد استفاده مشترک طرفین در محل زندگی‌شان در صورتی که پس از ثبت قرارداد تحصیل شده باشند^{۲۱} از آن طرفین است و در صورتی که زمان تحصیل مال معلوم نباشد، فرض

۲۱. در این ماده اصطلاح *bles meublants* بکار رفته که حسب ماده ۵۳۴ عبارتست از اموالی که برای استفاده در آپارتمان یا تزئین آن بکار می‌روند مثل فرش، تخت و غیره.

می‌شود که مال بعد از ثبت قرارداد تحصیل شده و طرفین به تساوی مالک آن هستند.

قسمت دوم ماده ۵-۵۱۵ همین حکم را در مورد اموال تحصیل شده بطور بلاعوض پس از انعقاد قرارداد تسری داده و طرفین را به تساوی مالک اینگونه اموال می‌داند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

این شراکت بالمناصفه در تمام اموال منقول که لوازم خانوادگی مورد استفاده مشترک نیستند از قبیل ماشین، سهام و همچنین کلیه اموال غیرمنقول مفروض است.

این ترتیبی است که قانونگذار در مورد رژیم اموال طرفین پیش‌بینی نموده است مع‌ذلک طرفین می‌توانند چه هنگام انعقاد قرارداد و چه بعد از آن (با ثبت قرارداد جدید) رژیم اموال را بنا به توافق تعیین نمایند تا بر همان اساس اقدام شود.

لازم به ذکر است که طرفین قرارداد از هم ارث نمی‌برند بنابراین اگر هریک از طرفین مایل است تمام یا بخشی از اموالش پس از فوت او به طرف مقابل برسد می‌بایستی طبق مقررات عمومی وصیت نامه‌ای تنظیم نماید.

۳ - مالیات مشترک - از تاریخ سومین سال ثبت قرارداد طرفین مشمول مالیات بر درآمد مشترک خواهند بود و فرم مالیاتی ارسالی به نام هر دو مشترکاً صادر می‌شود (الف یا ب). همچنین در صورت اختتام قرارداد در بین سال هریک از طرفین در مورد درآمدهای که در همان سال داشته شخصاً و بالاستقلال مشمول تلقی می‌شود.

۴ - صدور مجوز اقامت - در صورتی که یک فرانسوی با یک خارجی قرارداد مدنی زندگی مشترک منعقد نماید، به موجب قانون به شخص خارجی کارت اقامت در فرانسه داده خواهد شد. البته به شرطی که سابقه زندگی مشترک لااقل مدت ۳ سال در فرانسه ثابت شود. اگر شخصی غیرفرانسوی با یکی از اتباع کشورهای عضو اتحادیه اروپا چنین قراردادی منعقد نماید به همین ترتیب عمل می‌شود، بدیهی است چنین تصمیمی در راستای احترام به زندگی شخصی و خانوادگی اشخاص اتخاذ شده است.^{۲۲}

متذکر می‌شود برخلاف مورد ازدواج، طرفین یک قرارداد مدنی زندگی مشترک هیچ تعهدی در مورد وفاداری نسبت به هم ندارند بنابراین فرزند ناشی از رابطه قراردادی مذکور، فرزند ناشی از زنا تلقی نمی‌شود. همچنین برخلاف ازدواج انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک به طرف مؤنث حق استفاده از نام طرف مذکر را نمی‌دهد و بالاخره تنها ازدواج است که به همسر خارجی حق تحصیل تابعیت فرانسه را به صرف درخواست می‌دهد (ظرف یکسال از ازدواج) در حالی که در مقررات مربوط به قرارداد مدنی زندگی مشترک چنین حقی پیش‌بینی نشده و یک خارجی که با یک تبعه فرانسه چنین قراردادی را منعقد می‌نماید باید مقررات معمول تحصیل تابعیت فرانسه را رعایت نماید. (مواد ۱۵-۲۱ و ۲۱-۲۷ قانون مدنی)

۲۲. لازم به ذکر است که قانون از لحاظ نسب آثاری بر قرارداد مدنی زندگی مشترک مترتب نمی‌کند در واقع طراحان و طرفداران قانون نوامبر ۱۹۹۹ ترجیح دادند از طرح یا اصرار بر ترتب چنین آثاری که عکس‌العمل شدید مخالفان را در پی داشت خودداری کنند.

(۲) آثار قرارداد نسبت به اشخاص ثالث

در رابطه با اشخاص ثالث مهمترین آثار مترتبه به موجب قانون جدید به شرح زیر است:

- به موجب ماده ۵۱۵-۴ طرفین قرارداد مدنی زندگی مشترک، نسبت به مبالغی که یکی از ایشان برای هزینه‌های جاری و پرداخت اجاره مسکن مشترک قرض گرفته در برابر طلبکار مشترکاً مسؤولند. این مقرر امتیازی برای شخص طلبکار ایجاد می‌کند مع‌ذکب باید توجه داشت که برای استفاده از این امتیاز طلبکار باید وجود قرارداد را ثابت کند در حالی که دسترسی به سوابق آن ندارد و لذا چه بسا طرفین اصولاً وجود چنین قراردادی را انکار می‌نمایند تا طلبکار نتواند از حقوق خود در این رابطه استفاده کند.

- حق انتقال اجاره: در صورتی که یکی از طرفین محل سکونت مشترک را اجاره و قرارداد مربوطه را امضا نموده‌باشد در صورت ترک محل یا فوت او، طرف مقابل حق دارد حقوق مربوط به اجاره را به خود منتقل نماید. در واقع قانون نوامبر ۱۹۹۹ مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ۸۹۴۶۲ مورخ ۶ ژانویه ۱۹۸۹ را که چنین امتیازی را برای زوجین مقرر کرده‌بود، به طرفین یک قرارداد مدنی زندگی مشترک نیز تسری داده‌است.

- استفاده از تأمین اجتماعی: قانون جدید با اصلاح ماده ۱۴-۱۶۱ قانون تأمین اجتماعی مقرر می‌دارد به محض انعقاد قرارداد مدنی زندگی مشترک حق استفاده هریک از طرفین از مزایای تأمین اجتماعی طرف مقابل بعنوان ذینفع برقرار می‌شود؛ البته این حق از ۲۷ ژانویه ۱۹۹۳ در

مورد کونکوبین‌های غیرهمجنس شناخته شده بود ولی با وضع قانون جدید کونکوبین‌های همجنس نیز از این حق بهره‌مند می‌شوند. ضمناً با اصلاح ماده ۴-۳۶۱ قانون تأمین اجتماعی مقرر شده مبالغی که تحت عنوان بیمه عمر یا *Capital décès* بوسیله سازمان تأمین اجتماعی پس از فوت شخص پرداخت می‌شود به کسی که با متوفی قرارداد مدنی زندگی مشترک داشته نیز تعلق می‌گیرد.

تسهیلات کاری: در صورتی که طرفین در یک مؤسسه کار می‌کنند می‌توانند از مرخصی همزمان استفاده کنند. همچنین در صورت بروز بعضی اتفاقات خانوادگی برشمرده شده در قانون کار^{۲۳} غیبت ایشان موجه تلقی خواهد شد.

همچنین طرفین قرارداد که در مشاغل عمومی باشند می‌توانند از مزیت خدمت در یک جا برخوردار شوند.^{۲۴}

لازم به ذکر است که برخلاف مورد ازدواج، قرارداد مدنی زندگی مشترک یک تعهد شخصی است که هیچگونه رابطه فامیلی و خانوادگی ایجاد نمی‌کند. همچنین تنها زوجین امکان پذیرفتن فرزند را دارند طرفین

۲۳. بند ۴ ماده ۱-۲۲۶ L. قانون کار.

۲۴. ضمناً به موجب قانون جدید با اصلاح ماده ۳-۳۵۶ قانون تأمین اجتماعی مقرر شده که کمک هزینه بیوگی در صورتی که زوجه ازدواج نموده یا قرارداد مدنی زندگی مشترک منعقد نماید قطع می‌شود همچنین وقتی پدر یا مادر منتفع از کمک هزینه خانوادگی یک قرارداد مدنی زندگی مشترک منعقد نماید کمک هزینه مذکور قطع می‌شود.

قرارداد مدنی زندگی مشترک از این حق که مختص به زوجین یا افراد مجرد است محرومند. ۲۵، ۲۶

ج. انحلال قرارداد

قرارداد مدنی زندگی مشترک که از زمان ثبت موجودیت می‌یابد و موجد آثاری برای طرفین آن یا اشخاص ثالث است به موجب ماده ۷-۱۵۵ در موارد ذیل قابل انحلال است.

(۱) فوت: با فوت یکی از طرفین قرارداد خاتمه می‌یابد و بازمانده باید تصویری از گواهی فوت را به دفتر دادگاه ثبت کننده قرارداد تسلیم کند تا مراتب در حاشیه سند اولیه درج شود و از تاریخ فوت قرارداد خاتمه یافته تلقی می‌شود.

۲۵. در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی بحثی در مورد توصیف قرارداد مدنی زندگی مشترک مطرح شده با توجه به اینکه این تأسیس از جهاتی شبیه به ازدواج است و از جهاتی شبیه به قرارداد. برخی آن را جزء دسته ارتباط احوال شخصیه و تابع قانون متبوع طرفین می‌دانند (در اینصورت صحت آن موقوف به اجاره قانون مذکور است) و برخی دیگر آن را یک قرارداد معمولی می‌دانند که تابع کنوانسیون رم ۱۹ ژوئن ۱۹۸۰ در مورد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی است (در اینصورت تمام اشخاص صرفنظر از تابعیت یا محل سکونتشان اجازه انعقاد آن را دارند).

KHAIRALLAH. Georges, Les partenariats organisés en droit international privé, Revue critique de droit international privé, n^o3 juillet – septembre 2000 trimestrielle, pp. 317 et s.

۲۶. معذک اقداماتی در جهت رفع این محرومیت انجام شده است مثلاً دادگاه اداری بیژانس (Doubs) طی رأی ۲۴ فوریه ۲۰۰۰ تصمیم شورای عمومی (Doubs) مبنی بر عدم موافقت با تقاضای یک معلّمه ۳۸ ساله برای پذیرش یک فرزند را بعلت زندگی مشترک با یک همجنس، رد نمود. Le Monde, Samedi 28 oct. 2000, p. 710 همچنین با انجام تحقیقاتی نتیجه گرفته شده که رشد فکری و روانی فرزند رشد یافته در محیط زندگی مشترک دو همجنس طبیعی است و گرچه اینگونه فرزندان کمتر از حد معمول اجتماعی هستند ولی فعال‌تر بوده و ظرفیت انطباق پذیری بالایی دارند. رک. مثلاً

Dr. Nadaud. Stéphane "Approche Psychologique et comportementale des enfants vivants en milieu homoparental". Thèse de médecine, l'université Bordeaux II, 10 oct. 2000.

(۲) ازدواج: هرگاه طرفین قرارداد یا یکی از آنها بخواهند ازدواج کنند (با یکدیگر یا با ثالث) به محض انجام ازدواج قرارداد خاتمه می‌یابد. در چنین حالتی معمولاً نسخه‌ای از سند ازدواج برای طرف مقابل قرارداد ارسال می‌شود و نسخه‌ای دیگر از سند ازدواج به همراه نسخه‌ای از شناسنامه که ازدواج در آن درج شده به دفتر دادگاه ثبت کننده قرارداد اولیه تسلیم می‌شود.

(۳) توافق طرفین: در صورتی که طرفین قرارداد مدنی زندگی مشترک با توافق بخواهند از هم جدا شوند باید اعلامیه مشترک خود را در این رابطه به دفتر دادگاه بخش محل سکونت لاقبل یکی از ایشان تسلیم نمایند. مدیر دفتر مراتب را در دفتر مخصوصی ثبت می‌نماید.

(۴) اراده یکی از طرفین: به موجب قانون قرارداد مدنی زندگی مشترک که اصولاً مدت معینی ندارد هر زمان قابل فسخ است و از این نظر تابع قواعد کلی قراردادهاست در این رابطه صرف اعلام اراده کفایت می‌کند و فسخ کننده نیازی به اثبات تقصیر طرف مقابل ندارد.

به هر حال طرفی که مایل به فسخ قرارداد است باید ضمن اعلام مراتب به طرف مقابل نسخه‌ای از اعلام فسخ خود را به دفتر دادگاه بخش ثبت کننده قرارداد تسلیم نماید تا مراتب ثبت شود. فسخ قرارداد ۳ ماه پس از اعلام مراتب به طرف مقابل منشأ اثر خواهد بود.

وقتی قراردادی به این ترتیب خاتمه می‌یابد معمولاً طرفی که انحلال به او تحمیل شده با طرح ادعاهایی در رابطه با تقسیم اموال مشکلاتی برای فسخ کننده ایجاد می‌نماید به موجب بند آخر ماده ۵۱۵-۷ در این گونه موارد دادگاه باتوجه به مفاد قرارداد طرفین و قواعد عمومی قراردادها تعیین

تکلیف خواهد نمود. بعلاوه ممکن است طرف ناراضی از انحلال مدعی شود فسخ قرارداد در شرایطی که اعمال شده خساراتی را به وی وارد نموده‌است، البته شورای قانون اساسی چنین حق ادعای خسارتی را می‌پذیرد منتهی مشکل در تعیین مصادیق تقصیر در این رابطه است.^{۲۷} در همین راستا حتی در مواردی که وجود تقصیر احراز نشده، دادگاهها تمایل داشته‌اند به اینکه برای فسخ کننده یک تعهد طبیعی مبنی بر بی‌پناه نگذاشتن طرف مقابل بعد از انحلال را قائل شوند. در این صورت طرف فسخ کننده به محض فسخ یک تعهد مدنی دارای ضمانت اجرا پیدا می‌کند.^{۲۸}

۳- زندگی مشترک غیر ازدواجی در سایر کشورها

زندگی مشترک غیر ازدواجی سالهاست که در اروپا سابقه دارد و کشورهای مختلف اروپایی همانند فرانسه بوسیله قوانین پراکنده و آرای صادره کم و بیش از این نوع زندگی مشترک حمایت و حقوقی را برای طرفین آن قائل شده‌اند. مع‌ذلک در مورد شناسایی زندگی مشترک دو همجنس و حمایت از حقوق طرفین این رابطه همواره تردید وجود داشته و به همین لحاظ نهادهای اروپایی کراراً با محکوم نمودن هر نوع تبعیض بر

۲۷. دیوان عالی کشور فرانسه در رأی ۷ آوریل ۱۹۹۸ شوهری را که در طول زندگی مشترک از طرف مقابل خواسته بود برای نگهداری فرزندش (و بعدها فرزند مشترکشان) کار خود را ترک کند و سپس به قصد زندگی با زن دیگری می‌خواست از وی جدا شود، مقصر شناخت. این رویه را می‌توان در مورد قرارداد مدنی زندگی مشترک نیز اعمال نمود.

Cass. 7 avril 1998, Droit de la famille juin 1998, p. 13 et s. note H.Lecuyer.

28. Droit de la famille, Dalloz, 1999, Sous la direction de J.Rubellin - Devichi, n° 1123. À 1129.

مبنای جنسیت سعی در تغییر این وضع و یکسان تلقی شدن تمام زندگی‌های مشترک بدون توجه به جنسیت طرفین آنها داشته‌اند.^{۲۹}

اولین کشور اروپایی که زندگی مشترک دو همجنس را به رسمیت شناخت دانمارک بود. به موجب قانون ۱۹۸۹ (مشارکت ثبت شده)^{۳۰} دو همجنس که مایل به زندگی مشترک هستند با ثبت مشارکتشان مانند جفت‌های ازدواجی تلقی خواهند شد. برای ثبت و رسمیت یافتن چنین رابطه‌ای وجود همان شرایط مربوط به ازدواج (اهلیت، مونوگامی، عدم خویشاوندی و ...) لازم است به علاوه لااقل یکی از طرفین باید تبعه و ساکن دانمارک باشد. این زندگی مشترک جز در موارد استثنایی مثل پذیرفتن فرزند، همان آثار ازدواج را خواهد داشت. به موجب اصلاحیه ۲۵ می ۱۹۹۹ اتباع نروژ، سوئد و ایرلند و همچنین سایر کشورهایی که قانونی مثل قانون دانمارک (در مورد مشارکت ثبت شده) دارند منبهد از همان حقوق اتباع دانمارک در این رابطه برخوردار خواهند بود. بعلاوه ۲ خارجی

۲۹. مثلاً قطعنامه ۹۴/۲/۸ و A3 - 00 28/94 پارلمان اروپا در مورد لزوم یکسان نگری زندگی‌های مشترک دو همجنس و دو غیرهمجنس (JO, CE n° C 67/40 du 28 février 1994) به موجب ماده ۱۳ معاهده آمستردام که در ۲ اکتبر ۱۹۹۷ تصویب و از اول ژانویه ۱۹۹۹ در فرانسه به مرحله اجرا درآمده است هرگونه اقدام لازم برای رفع هر نوع تبعیض از حیث جنس، نژاد، ریشه قومی، مذهبی، اعتقادات، معلولیت، سن یا تمایلات جنسی را به شورا اجازه داده است. رک. همچنین به توصیه ۹۲۴ و قطعنامه ۷۵۶ پارلمان شورای اروپا در رابطه با رفع تبعیض نسبت به هموسکسوال‌ها (اول اکتبر ۱۹۸۱). مع‌ذلک کمیسیون اروپایی حقوق بشر اعلام نموده روابط مستمر دو همجنس مشمول مقررات مربوط به حق احترام به زندگی خانوادگی مورد حمایت ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست.

Req 9. 9369, 81 décision du 3 mai 1983, Rec. vol. 32, p.220, et req. 11716/85, décision du 14 mai 1986, Rec. vol. 47, p.274.

30. Loi relative au Partenariat enregistré.

سابقه طرح موضوع عدم تبعیض از نظر جنسیت در این کشور به سال ۱۹۶۸ می‌رسد که حزب سوسیالیست پیشنهاد قانونی کردن ازدواج همجنس‌ها را مطرح کرد.

که ۲ سال سابقه اقامت در دانمارک را داشته باشند می توانند در دانمارک قرارداد مشارکت منعقد و ثبت نمایند. انحلال قرارداد مشارکت نیز تابع همان شرایط طلاق است.

بدنبال دانمارک کشورهایی مثل نروژ (قانون ۱۹۹۳)،^{۳۱} سوئد (قانون ۱۹۹۴)،^{۳۲} ایرلند (قانون ۱۹۹۶)^{۳۳} و مجارستان (قانون ۱۹۹۶)^{۳۴} زندگی مشترک دو همجنس را به رسمیت شناخته و آثاری برای آن قائل شدند. پارلمان بلژیک قانونی در ۱۹ مارس ۱۹۹۸ تصویب نمود که به موجب آن اشخاصی که مایل به زندگی مشترک هستند صرفنظر از جنسیتشان می توانند با تسلیم یک اعلامیه کتبی به مقامات محلی ناحیه سکونت مشترکشان همزیستی قانونی داشته باشند.^{۳۵}

هلند در ۱۹۹۷ قانونی در ارتباط با مشارکت ثبت شده تصویب نمود.^{۳۶} به موجب این قانون طرفین این مشارکت از همان حقوق و تکالیف زوجین برخوردار خواهند بود. (البته جز در مورد نسب یا پذیرفتن فرزند). بعلاوه در ۸ ژوئیه ۱۹۹۹ دولت هلند طی طرحی قانونی که به مجلس ارائه

۳۱. قانون مربوط به مشارکت ثبت شده برای همجنس‌ها که در ۳۰ آوریل ۱۹۹۳ بوسیله پارلمان تصویب و از اول اوت ۱۹۹۳ به مرحله اجرا درآمد.

۳۲. قانون مربوط به مشارکت ثبت شده مصوب ۲۳ ژوئن ۱۹۹۴ که از اول ژانویه ۱۹۹۵ به مرحله اجرا درآمده است.

۳۳. قانون مربوط به کونکویناژ قانونی مصوب ۱۲ ژوئن ۱۹۹۶ که از ۲۷ ژوئن ۱۹۹۶ به مرحله اجرا درآمده است.

۳۴. پارلمان مجارستان در ۱۹۹۶ با تغییر قانون مدنی برای کونکوین‌های همجنس همان حقوق کونکوین‌های غیرهمجنس را قائل شده است.

۳۵. البته این قانون هنوز به مرحله اجرا درنیامده است و نیاز به صدور فرمان اجرایی دارد.

۳۶. قانون ۵ ژوئیه ۱۹۹۷ که از اول ژانویه ۱۹۹۸ به مرحله اجرا درآمده است.

کرد مسأله اعطای اجازه ازدواج مدنی به هموسکسوتل‌ها^{۳۷} و بعلاوه اجازه پذیرش فرزند توسط ایشان را مطرح نمود که اخیراً به تصویب رسیده است. به این ترتیب هلند اولین کشوری است که تمام زندگی‌های مشترک را صرفنظر از جنسیت طرفین آنها یکسان تلقی می‌نماید.

در بعضی از کشورهای اروپایی مثل لوکزامبورگ، آلمان و جمهوری چک هنوز موضوع یکسان‌نگری زندگی‌های مشترک بدون توجه به جنسیت طرفین تحت بررسی پارلمان قرار دارد.

در خاتمه لازم به ذکر است هنوز در بعضی کشورها مثل رومانی، بلاروس، بوسنی هرزگوین و یونان زندگی مشترک دو همجنس جرم تلقی می‌شود و مجازات زندان دارد همچنین با اینکه در انگلستان زمینه مساعدی برای پذیرش حقوق هموسکسوتل‌ها وجود داشته هنوز هیچ قانونی در رابطه با به رسمیت شناختن زندگی مشترک همجنس‌ها مورد توجه پارلمان این کشور واقع نشده است.^{۳۸}

کشورهای خارج از اروپا به نوبه خود با پدیده زندگی مشترک غیرازدواجی مواجه بوده‌اند و در بعضی از این کشورها هم بطور محدود ترتیباتی برای حمایت از طرفین چنین رابطه‌ای اتخاذ شده است. مثلاً در آرژانتین به سال ۱۹۹۷ به موجب یک تصمیم قضایی برای شریک زندگی اساتید و پرسنل نیروی دریایی برخی حقوق اجتماعی برقرار شد و متعاقباً حق استفاده از پوشش تأمین اجتماعی یکی از طرفین زندگی مشترک برای

۳۷. اینگونه ازدواج‌ها را ازدواج غیرمستقیم نیز نامیده‌اند *mariages indirects*

J-P. Branlard, L'homosexualité, Le mariage, le Concubinage et le contrat d'union civile, les petites Affiches, 10 août 1994, p.8 et s.

38. Que sais – je? Le PACS. Presses Universitaires de France, 2000, 1^{re} éd 2000. p. 18.

طرف همجنس دیگر شناخته شد البته به شرط اثبات سابقه پنج ساله یک زندگی مشترک ملموس.

در نامیبیا دیوان عالی طی رأی ۲۵ ژوئن ۱۹۹۹ در مورد دو زن که زندگی مشترک داشتند حق اخذ اجازه اقامت یکی از ایشان به استناد همزیستی مذکور را پذیرفت هرچند مقامات سیاسی این کشور اصولاً مخالف روابط همجنس‌ها هستند.

در اسرائیل در جریان رسیدگی به شکایت یکی از کارمندان شرکت هواپیمایی ال آل، علیه این شرکت مبنی بر اینکه کارفرمایش به ناحق از اعطای بلیط مجانی سالانه که اصولاً به همسران کارمندان تعلق می‌گیرد به شریک زندگی او خودداری نموده، دیوان عالی طی رأی نوامبر ۱۹۹۴ کارفرما را بعلت اعمال تبعیض محکوم نمود. متعاقباً کنیه اسرائیل با تفسیر موسع از کلمه «همسر» آن را به شریک زندگی همجنس نیز تسری داد (در زمینه تأمین اجتماعی و در زمینه نظامی).

در ایالات متحده آمریکا اصولاً تنها ازدواج دو غیرهمجنس به رسمیت شناخته شده^{۳۹} و به موجب تصمیم کنگره اگر هم احیاناً ایالتی ازدواج دو همجنس را به رسمیت بشناسد ایالات دیگر می‌توانند از شناسایی ازدواج مذکور امتناع نمایند. در مورد اشخاصی که خارج از رابطه ازدواج با هم زندگی می‌کنند در ایالات مختلف حقوق و تکالیفی برقرار شده ولسی

۳۹. موضوع ازدواج دو همجنس بطور جدی در ۱۹۹۰ در هاوایی در پی مخالفت اداره بهداشت با صدور مجوز ازدواج برای اشخاص همجنس به موجب قوانین هاوایی مطرح شد که دیوان عالی این ایالت طی تصمیم مورخ ۵ می ۱۹۹۳ عدم مطابقت قانون هاوایی با قانون اساسی را به علت اعمال تبعیض اعلام نمود. مجلس هاوایی در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۴ به موجب قانونی مقرر داشت ازدواج باید بین یک مرد و زن باشد سپس به موجب اصلاحیه‌ای بر قانون اساسی هاوایی ازدواج همجنس‌ها ممنوع شد و مراتب در فرانسدم ۸ نوامبر ۱۹۹۸ به تصویب رسید.

همواره اصرار مقامات بر این بوده که هیچ‌گونه آثاری بر زندگی مشترک همجنس‌ها مترتب نشود.^{۴۰}

نتیجه

زندگی مشترک دو شخص خارج از رابطه ازدواج که عمدتاً در کشورهای اروپایی توسعه یافته پدیده نسبتاً جدیدی است و کشورهایی که با این پدیده مواجه بوده‌اند بنا به مقتضیات خاص خود کم‌وبیش آثاری را بر آن مترتب ساخته‌اند. در واقع چنین بنظر رسیده که لازم است در دفاع از نهاد خانواده (هرچند خانواده‌ای که در نتیجه زندگی مشترک غیرازدواجی تشکیل می‌شود)، حقوق و تکالیفی برای اعضای آن در نظر گرفته شود تا از بروز برخی مشکلات اجتماعی جلوگیری شود و غالباً منظور از خانواده نهادی است که بوسیله یک مرد و یک زن بنا نهاده شده و نه زندگی مشترک دو همجنس.

متأسفانه با گسترش زندگی مشترک اشخاص همجنس خصوصاً در اواخر قرن بیستم کشورهای مختلف گرایش به شناسایی اینگونه روابط نیز یافته‌اند و قوانینی در حمایت از این پدیده تصویب شده است و یا اینکه محاکم عملاً آثاری را بر آن مترتب نموده‌اند. در کشوری مثل فرانسه که به علت رواج زندگی مشترک غیرازدواجی در قرن بیستم روز بروز از آمار ازدواج کم شده، با تصویب قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ که زندگی مشترک

۴۰. برای مطالعه تطبیقی رک. مثلاً:

V.F. Granet, "Pacte civil de solidarité (PACS) – Aspects Comparés et internationaux", J.C.P. Not. et Imm, 2000. 371, et du même auteur, "L'enregistrement des couples non mariés en Europe", Dr. de la famille, déc 1999, n° hors série, p. 58.

غیرازدواجی صرفنظر از جنسیت طرفین را به رسمیت شناخت باید منتظر بی رونق شدن بیشتر ازدواج و تضعیف هرچه بیشتر نهاد خانواده باشیم. در این کشور که رابطه دو همجنس را قبل از ۱۹۸۲ جرم تلقی می کرد اینک این امر بصورت یک پدیده عادی و حتی رقیب ازدواج درآمده است و روزبروز جایگاه مستحکم تری در جامعه فرانسه پیدا می کند. می توان پیش بینی نمود که در آینده نه چندان دور در این کشور همانند کشور هلند مسأله مشروعیت ازدواج بین دو همجنس مطرح و پذیرفته شود بنظر می رسد لاقبل کشورهایی که به لحاظ استحکام و قدرت اخلاقیات زندگی مشترک غیرازدواجی در آنها رایج نشده و هنوز ازدواج بین یک مرد و یک زن را بعنوان تنها وسیله مشروع تشکیل خانواده تلقی می نمایند باید پیش بینی های لازم را جهت حفظ ارزشهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی خود به عمل آورند و هرچه بیشتر در راه تحکیم نهاد خانواده که سلول اصلی اجتماع است بکوشند.